



نشریه فرهنگی، هنری، اجتماعی کانون دانشجویی گیلان شناسی دانشگاه گیلان
به زبان های گیلکی و فارسی، آبان ۱۳۸۳، سال اول، شماره اول، ۵۰ تومان
«نی‌ناکی» یک واژه گیلکی است، به معنای مردُمک چشم.

وانی‌ویس:

یادداشت:

گیلکی بخوانیم، گیلکی بنویسیم!

اگر بخواهیم از هویت خود در راستای «کمال» و «رفتن» و «شدن» خویش بهره بجویم، ابتدا باید بدانیم که، هویت، آن هم هویت گیلک، دارای چه شاخص‌ها و اساسی است. باید این شاخص‌ها را شناخته و بر روی آن‌ها کار شود.

شاید بتوانیم تاریخ، موسیقی، زبان، سالشماری یا آداب و رسوم و لباس و رقص خود را تعدادی از این شاخص‌ها به حساب بیاوریم. هرکدام از این‌ها، شاخصی از شاخص‌های هویت ماست. در این یادداشت، قصد داریم که از یکی از این شاخص‌ها سخن بگوییم که بیشتر از بقیه به چشم می‌آید. آن هم زبان ماست: گیلکی.

کارکرد اصلی زبان چیست؟ باید بین انسان‌ها و در یک جامعه ایجاد ارتباط کند. آن هنگام که یک زبان بتواند در میان صاحبان خود کارکرد داشته باشد و بین آنها پل ارتباطی باشد، می‌توان گفت که آن زبان زنده است و می‌تواند که به کار آید.

البته جز این کارکرد، زبان باز هم کارکردهایی دارد. اما آن صحبت اساسی، آن اولین چیزی که در ذهن هرکسی می‌نشیند، همین کارکرد است. که یک زبان تا چه حد توانایی دارد که احساس صاحبان خود را منتقل نماید. چقدر می‌تواند قدرت داشته باشد که بتواند زبان همان روز باشد. یعنی تولید داشته باشد. «زایا» باشد. خود، برای خود واژه بسازد و به نیازهای زمان خویش پاسخ دهد.

اکنون، سوال این است که، گیلکی، زبانی اینگونه است، یا نه؟ گیلکی می‌تواند زایا باشد؟ قدرت آن را دارد که احساسات صاحبان خود، یعنی ما گیلک‌ها را به خوبی منتقل سازد، یا نه؟

نظر «نی‌ناکی» بر این است که این زبان، که زبان ماست، می‌تواند به نیازهای امروز پاسخ دهد و زایا باشد و می‌تواند بهتر از هر زبان دیگری منتقل کننده احساس و حرف ما باشد. ادامه در صفحه ۷

گیلکی بخانیم، گیلکی بی‌نی‌ویسیم!

امو اگر بخاییم، آمی هویته جه، آمی «کمال» و آمی «شون» و «بوستن» راغه^۱ ره استفاده بوکونیم، وا اول بدانیم کی، هویت، ئونم گیلکه هویت، چی شاخصان و چی اساسی داره. وا آ شاخصانه بشناسیم و ئوشانه سر کار بوکونیم.

شاید بتانیم آمی تاریخ، موسیقی، زبان، سالشماری یا آمی آداب و رسوم و لباس و... چنته آ شاخصانه جه به حساب باریم. هرته جه آشان، ئیتا شاخص، آمی هویته شاخصانه جه ئیسیدی.

آ وانی‌ویسه^۲ مین، خاییم ئیتا آ شاخصانه جه گب بزیم کی باخی جه ویشتر به چوم آیه. ئونم آمی زبانه: گیلکی.

زبانه اصله کار چیه؟ وا ارتباط بنا بوکونه. انسانانه مین و ئیتا جامعه مین. وختی ئیتا زبان بتانه، خو صاحبانه مین، کارکرد بداره یو ئوشانه مین، ارتباطه پورد^۳ ببه، شا گوئن کی آ زبان زبنده ئیسه یو تانه کی به کار بایه.

بَسچی^۴ زبان به جوز آ کارکرد، هنده^۵ کارکرد داره. اما ئو اصله گب، ئو اولین چیزی کی هرکسه ذهنه مین نیشینه، هه کارکرده. کی ئیتا زبان چندی^۶ تانه خو صاحبانه احساسه مونقل بوکونه؟ چندی تانه قدرت بداره، کی بتانه، هو روجه^۷ زبان ببه. یعنی تولید بداره. «بزا» ببه. خودش، خوشه‌ره واژه بساجه^۸. خو زماته^۹ نیازانه جواب بده.

هسا سوال آنه کی، گیلکی، آ جور زبان ئیسه یا نه؟ گیلکی تانه بزا ببه؟ تانه خو صاحبان، یعنی آمو گیلکانه احساساته خُب مونقلا کونه؟ یا نه؟

«نی‌ناکی» نظر آنه کی، آ زبان، کی آمی زبانه، تانه ایمروجه^{۱۰} نیازانه جواب بده یو تانه بزا ببه یو تانه هر زبان دیگری جه بخر^{۱۱} آمی احساس و آمی گبه مونقلا کونه. ادامه در صفحه ۳

مساله وجه اجتماعی هم عامل متغیر و نسبی است و نمیتواند ارزش زبان شناختی داشته باشد. گاهی، معیار فنی تر و معروف دیگری که اغلب برای تمییز زبان و گویش و حتی لهجه به کار میبرند و آن نظریه «درک مشترک» است. بر اساس این نظریه، اگر دو سخنگو یکدیگر را به خوبی درک کنند، گونه های به کار گرفته میان آنها مربوط به یک زبان واحد است. ولی اگر یکدیگر را نفهمند آن گاه آن دو به دو زبان متفاوت سخن میگویند. در همین راستا میزان درک مشترک، حتی مبنای تمایز میان زبان و لهجه و گویش نیز قرار میگیرد. به طوری که اگر میزان درک کامل نباشد ولی امکان پذیر باشد، تفاوت میان دو سخنگو از نوع تفاوت لهجه ای و اگر درک با مشکلات فراوان صورت پذیرد، آنگاه تفاوت ها از نوع گویشی است. البته به دلایل متعدد عامل «درک مشترک» میان سخنگویان نمیتواند معیار معتبری برای تمییز موارد به

سوالاتی درباره مسائل زبان شناسی داشتیم که میخواستیم با آقای میرمیران، دبیر انجمن گیلان شناسی دانشگاه گیلان در میان بگذاریم. ایشان نیز قبول کردند تا به صورت کتبی به سوالاتمان پاسخ دهند. «مقاله گونه» زیر حاصل این مکاتبه است که تنها تغییری که در آن دادیم این است که در میان نوشته ایشان سوالات خود را نیز گنجانیدیم تا بهتر در جریان بحث قرار گیرید.

اولین سوال ما این بود که بالاخره گیلکی زبان است یا لهجه.

ابتدا لازم است، توضیح اجمالی درباره زبان، گویش و لهجه ارایه شود. گاهی میان این مفاهیم اختلاط و التباس روی میدهد، در نتیجه چالش های جدی و بحث برانگیزی را سبب می شود.

در تمایز و تعریف درست این مفاهیم اختلاف نظرهای زیادی

گیلکی، زبان یا لهجه؟

همان بحث قدیمی و چند موضوع دیگر از زبان آقای مجتبی میرمیران

اصطلاح زبان، گویش و لهجه از یکدیگر باشد. گرچه نگرش و رویکردهای متعددی در تبیین این مفاهیم و مقوله ها وجود دارد که جای بحث آن اینجا نیست. ولی به طور مختصر باید گفت که در هر صورت زبان نظام واحد و یگانه ای است که شکل های بسیار متنوعی به خود میگیرد. مثلا در گستره جغرافیایی گیلان مردم هر یک از شهرهای آن به شکل خاصی سخن میگویند ولی همه آنها خود را اهل یک زبان، یعنی زبان فارسی می دانند. شکل های گوناگون هر زبان را به نام های **گونه، لهجه و گویش** میشناسند.

گونه به شکل هایی از یک زبان گفته میشود که در موقعیت معینی به کار می رود. مثلا در حضور دوستان با گونه ای خاص سخن می گوئیم، در حضور استاد با گونه ای دیگر و در میان اعضای خانواده با گونه ای خاص. در حالی که، **لهجه** به شکلی از یک زبان گفته میشود که فقط در تلفظ با هم فرق دارند. مثلا یک گیلانی با لهجه

وجود دارد. زبان شناسان سنتی اغلب به نظر سخنگویان زبان در این زمینه استناد می کنند و قائلند که زبان از نظر وسعت واژگانی، ذخیره لغوی و ساختار دستوری، گسترده تر از گویش است و دارای وجهه اجتماعی و مقبولیت بیشتری است. علاوه بر آن زبان دارای صورت نوشتاری است و گویش فاقد آن است. حال آنکه، این معیارها فاقد اعتبار علمی است. زیرا، گستردگی و تنوع واژگانی مستقیما وابسته به ساختارهای محیطی، از جمله وضعیت های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مانند اینهاست و پیوسته رابطه منطقی میان ویژگی های جامعه و گونه زبانی رایج در آن از نظر تنوع واژگانی وجود دارد. وانگهی، گستردگی زبانی یک مسئله نسبی است و نمیتوان معیار مشخصی به دست داد که بر اساس آن بتوان به گونه ای اطلاق زبان یا گویش کرد. وجود صوری نوشتاری، یعنی خط نیز طبیعتا ذاتی زبان نیست و این نشانه های صوری را میتوان بر هر گونه زبان گذاشت.



«نباید گیلکی حرف زد»!

xxx

xxx

حسن: تے مرہ سیگار داری؟



شروع شد. پریم.

XX

شعری از ع.م (دانشجو)

تے، دلیل جیے، گوشتن درہ، خودای باصفا رہ؟

هسا شعر

او زَمات که می داز

پلنگه دستانه بیگنت

می دوچوشمه نی ناکی

اونه چنگه مئن دَبو

آن زمان که داس من / دستان پلنگ را برید /

مردمک چشمان من / در چنگال او بود

فریدون سلیمی

xxxxxx

زرده ولگ

بهارِ توقایی واسی

هَنده دارِ شاخه سَر

نفس کشه

برگ زرد / به عشق بهار / باز هم بر شاخه درخت

/ نفس می کشد

محمد دعایی

xxxxxx

مئن دامون زار دَگته

دامون دار

بَگته

در جنگل فریاد برخاست / درخت جنگلی / افتاد

دکتر مجتبی روحانی

xxxxxx

کاوَلَه کاوَلَه

کلاچُون گندم و جو

اوچی نُن

شادی دشتا دَپیچست

فوج فوج / کلاغان گندم وجو

/ می چینند / شادی در دشت پخش شد

علی صفری

چَل کله!

ئیتا جه کلماتی کی بعد از «تومبجار» و «کونوس کله» و «کرکه لانه» آ دانشگاهه دورون استفاده به، واژه «چَل کله» ئیسه!

آ دیدنی جیگا، آمی فنی دانشکده جولو ناها!

آ پیلَه کی ابتکار!

بعضی آمی مسئولانه جه، در راستای تولید علم، ئیتا بولنده واز بوکودیدی. آشان کی تازه ماشین حیسابه امره آشنا بوبوستیدی، «فورمول ضرب»! کشفه امره، دانشجویان شبانه شهریه یه دو و نیم برابر چاکودیدی. آ ابتکار به حدی بو کی آمریکا جه نی امی مسئولانه جه تشکر بوکودیدی.

جالیب تر آنه کی چون آ فورمول هنو انتشار پیدا نوکوده، هیته شبانه دانشجویانه جه حالی نوبوسته! مهران مستوفی

اصطلاحات و ضرب المثل های گیلکی

گردآوری: رحمت وهابی

هیزار تا لانتی وا خوردن تا ئیژدها بوستن.

Hizaar taa lanti vaa Khoordan taa izhdehaa bostan

ترجمه: باید هزار مار خورد تا اژدها شد.

ویشتایی بمردانه مانه.

Vishtaagi bamardaana mane

ترجمه: مانند کسانی است که از گرسنگی در حال مرگ اند

کنایه از لاغری بیش از حد

حمام کی بی عَرخ نیبه.

Hamam Ki bi arakh nibe .

ترجمه: حمام که بدون عرق نمی شود.

نمونه فارسی: بی مایه فطیر است

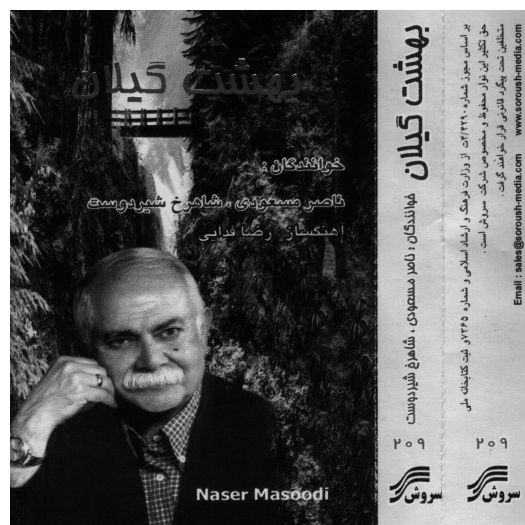
شما نیز با ما ارتباط داشته باشید

گروه تحریریه نی ناکی هر هفته سه‌شنبه‌ها از ساعت یازده تا دوازده و نیم در کتابخانه پژوهشکده گیلان‌شناسی واقع در دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان گرد هم می آیند. شما نیز، چنانچه به همکاری با ما علاقه و یا مطلبی جهت چاپ در نی ناکی دارید، میتوانید در این ساعت به ما بپیوندید. ما در انتظار نظرات و انتقادات و یا مطالب شما هستیم.



و اما بهشت گیلان...

گردد که کم لطفی سروش در این زمینه نیز جای بحث و گفتگوی بسیار دارد. اما طبق رویه اخیر آقای مسعودی، تنظیم آهنگهای ایشان در این آلبوم رانیز مانند آلبوم قبلی ایشان (هلاچین) آقای رضا فدایی به عهده دارد و اشعار آهنگها نیز از آقای عبدالرضا رضایی نیاست و تنظیم آهنگهای آقای شیردوست نیز اکثراً برعهده آقای امیر ملوک پور است و اشعار آهنگهای ایشان نیز به آقای رضائی نیا تعلق دارد اما با همه این توضیحات شنیدن آهنگهای این آلبوم نیز خالی از لطف نخواهد بود و شنیدن آهنگهای این آلبوم را به تمامی گیلک زبانان و علاقه مندان به فرهنگ و ادب گیلان زمین توصیه مینمایم. نوشته رحمت وهابی



بهشت گیلان نام آلبوم موسیقی است به زبان گیلکی که اخیراً توسط سروش (انتشارات سازمان صدا و سیما) منتشر شده است که بیان مطالب زیر در مورد این آلبوم نیز در جای خود جالب است. اول اینکه در تمام تبلیغاتی که توسط سازمان صدا و سیما در مورد این آلبوم در شبکه ها پخش شد نام آقای ناصر مسعودی خواننده قدیمی و محبوب گیلان زمین به عنوان خواننده ذکر شده و آهنگی با صدای ایشان به گوش رسید در حالیکه از مجموع ۱۲ آهنگ موجود در این آلبوم تنها و تنها ۲ آهنگ به آقای مسعودی تعلق دارد!!! این آلبوم هم چنین ۹ آهنگ با صدای آقای شاهرخ شیردوست و یک آهنگ بدون کلام را در بر می گیرد. آقای شیردوست از خوانندگان با سابقه گیلان هستند که سالها به عنوان یکی از خوانندگان گروه کر سازمان صدا و سیما به کار و فعالیت مشغول بوده و هستند. نکته دیگر در مورد این آلبوم طرح روی جلد آن است که هم چنان گویای این مطلب است که آقای مسعودی خواننده این آلبوم است زیرا عکس ایشان بصورت انفرادی در روی جلد ملاحظه می شود و تا هنگامی که در کاست باز نشود عکسی از آقای شیردوست دیده نمی شود. از آنجا که این اولین آلبومی است که آقای شیردوست منتشر کرده اینگونه بنظر می رسد که هدف سازمان صدا و سیما از اینگونه عملکرد صرفاً تبلیغ برای کارهای آقای شیردوست بوده باشد. از دیگر نواقص این آلبوم می توان از عدم ذکر نام نوازندگان این آلبوم یاد کرد.

اما ذکر این نکته ضروری است که هدف از بیان مطالب فوق کم اثر جلوه دادن آثار هنری آقای شیردوست نیست بلکه صرفاً هدف آن است که آثار هنری بصورت درست به مخاطبان معرفی و ارائه



معرفی سایت:

<http://www.gu.ac.ir>



پایگاه اطلاع رسانی دانشگاه گیلان، با طراحی جدید خود حاوی اطلاعات مفیدی درباره این دانشگاه است. در صفحه اول این سایت رویدادهای تازه مربوط به این دانشگاه گزارش شده و در سمت راست صفحه هم ستونی از پیوند(لینک) های این سایت به سایر صفحات قرار دارد.

شما میتوانید در این سایت توضیحاتی درباره دانشگاه گیلان و تاریخچه آن بخوانید. همچنین اطلاعاتی از دانشکده های مختلف آن. همینطور به معرفی هیات علمی و پایان نامه ها و صورت جلسات این دانشگاه نیز دسترسی خواهید داشت. آرشو کاملی از خبرنامه های دانشگاه گیلان نیز در قسمت نشریات این سایت وجود دارد.

طراحی این سایت بسیار باز و سبک بوده و کاربر در آن دچار سردرگمی نخواهد شد که این از نکات مثبت طراحی این سایت به شمار میرود. همچنین در طراحی صفحات آن از گروه رنگ های سبز استفاده شده که کاربر را در فضای سرسبزی گیلان قرار میدهد.

در صفحه اول سایت، تصویری از سردر ساختمان مرکزی شماره یک دانشگاه گیلان قرار داده شده است. و آخرین نکته اینکه این سایت به دو زبان فارسی و انگلیسی به روز میشود.

پاورقی تاریخی:

سرگذشت قوم ما

امین حسن پور

منبع: کتاب گیلان

گیلان در زمان های دور شامل وسعتی از کنار اردبیل و خلخال در مغرب تا کلاردشت در مشرق بود که خاک آن از سوی شمال به دریا و از جنوب به شهر قزوین میرسید.

اما اگر بخواهیم درباره وضعیت گیلان در تقسیمات کشوری ایران باستان بدانیم و اینکه تابعیت پادشاهان ایرانی را قبول کرده بودند یا نه، باید به اسناد مربوط به تقسیمات کشوری در دوران مذکور توجه کنیم.

نخستین تقسیمات کشوری برطبق اسناد و مدارک و مآخذ مربوط به دوره های باستانی در زمان پادشاهی داریوش اول انجام گرفت. در آن عهد قلمرو سلطنت ایران منطقه ای بسیار وسیع بود که فلات ایران، جلگه بین النهرین، آسیای صغیر، ناحیه شرقی، شبه جزیره بالکان، سواحل مدیترانه شرقی، ناحیه دره نیل در مغرب ایران، قسمت اعظم ترکستان و بالاخره تمامی دره سند را درشرق و شمال شرقی فلات ایران شامل میشد. داریوش اول این منطقه وسیع را به ۳۰ قسمت کرد و برای هر قسمت فرمانروا یا حکمرانی به عنوان «خشتروپان» یعنی شهربان برگزید.

هیچ یک از کتیبه های رسمی پادشاهان پارس، سرزمین کادوسیان و کاسپیان یعنی گیلان و بخش های دیگر سواحل دریای خزر را جزو سرزمین های تابع هخامنشیان نمیشمارد.

گزننفون مورخ یونانی نوشته است که بردیا فرزند کورش ساتراپ، یعنی حکمران ارمنستان و سرزمین کادوسیان یا گیلان بوده است. اما در کتیبه نقش رستم که کامل ترین فهرست اسامی سرزمین های تابع داریوش در قرن پنجم قبل از میلاد است نامی از سرزمین کادوسیان دیده نمیشود. با توجه به این مدرک، میتوان گفت که هیچ یک از ساکنان منطقه، نه کاس ها، نه آریایی ها، نه کادوسی ها و نه آماردها

که در عمارلو و حاشیه سفیدرود زندگی می کردند و جنگجوترین طایفه غیرآریایی بودند، هرگز به اطاعت سلسله پادشاهان پیش یا بعد از میلاد در نیامدند. ادامه دارد...



معرفی یک شخصیت گیلانی: کوشیار

ابوالحسن کوشیار فرزند لبان باشهری گیلی از بزرگترین ریاضیدانان و منجمان در قرن چهارم است که هم زمان با عضدالدوله و معزالدوله دیلمی می زیسته است.

صدرالدین وراوینی (مورخ) در وصف او می گوید « در حل مشکلات مجسطی، ابوریحان بیرونی به تفهیم او محتاج بود » ابو الحسن بیهقی (مورخ) درباره او نوشته « او در فن هندسه صاحبقران جهان بود . «زیج جامع» (۱) و «مجمل الاصول» (۲) او در نجوم و «مکمل» (۳) او در معرفت اصطرباب در تعریف بیان تفرد او در فن خود هر یک از آن گواهی عدل است . »

او اهل شرق گیلان و احتمالاً اهل یکی از روستاهای لاهیجان بوده است و سمت استادی ابن سینا را در ریاضیات داشته است . بسیاری از دانشمندان غربی وی را بزرگترین دانشمند سده دهم میلادی می دانند . کتب نجوم او در کمتر از صد سال به بسیاری از زبانها حتی چینی ترجمه شد .

نام برخی از دهانه های کره ماه به افتخار نام وی ، کوشیار گیلی نامگذاری شده است . نام وی در غرب به عنوان یکی از بزرگترین دانشمندان و برتر از ابن سینا و ابوریحان شناخته شده ، در حالی که در شرق کمتر مقام علمی او آشکار است .

(۳ و ۲) نام برخی از کتابهای کوشیار

تهیه و تنظیم از جواد صادقی

با استفاده از " نامها و نامداران گیلان " جهانگیر سر تیپ پور

ادامه سرمقاله:

اما اینکه تاکنون این کار صورت نگرفته و گیلکی تبدیل به یک شاخه نازک و خشک گردیده، تا آن حد که حتی آن را زبان هم نمی دانند و از آن بدتر، ما، خودمان نیز آن را به عنوان یک زبان به حساب نمی آوریم، این تقصیر و گناه «گیلکی» نیست. این گناه «گیلک» هاست. این به گردن ماست که زبان خود را بر زمین نهاده ایم (رها کرده ایم) و آن را از یاد برده ایم.

مسلماً وقتی یک زبان، برای مدتی طولانی استفاده نشود و هرروز به آن ضربه ای بزنند و یکی از لغاتش را بگیرند و حذف کنند. پس از صد یا صد و پنجاه سال، دیگر چیزی از آن نمی ماند. حال، می آییم و می گوئیم که این زبان نمی تواند! این زبان ندارد! اما هرگز از خود نپرسیدیم که آیا تلاش کردیم و نشد؟ استفاده کردیم و به کارمان نیامد؟ از آن مواظبت کردیم و نماند؟ یا نه! ما نیز تبری برداشتیم و به ریشه مان زدیم. بیایید یکبار دیگر تلاش بکنیم. برای گیلکی خواندن. برای گیلکی نوشتن. بیایید گیلکی بخوانیم. گیلکی بنویسیم.

درباره کانون دانشجویی گیلان‌شناسی

نوشته سارا غلامی

ترویج فرهنگ گیلان و بازدید از مناطق مختلف گیلان
جمعی از دانشجویان را به
اردوهای علمی، تفریحی برده و در نظر دارد در سال جاری
نیز این کار را ادامه دهد.

کانون در نظر دارد برای سال جاری
نیز یک کنسرت گیلکی و نمایشگاه
کتاب و طرح‌های دیگری را به اجرا
درآورد.

اعضای کنونی کانون گیلان‌شناسی:
حدیث جهانی، طیبه نوری، فتانه
نظمحمدی، صفورا کارگر، سارا
غلامی، محمدرضا بشردوست، فرخ
فرحناک و ابوذر رحیمی می‌باشند.

گاه‌نامه «نی‌ناکی» رابط میان افکار

و اندیشه‌های اعضای کانون با دیگر دانشجویان است.
نوشته‌ها و نظرات شما دانشجویان برای اعضای کانون و
نشریه نی‌ناکی بسیار مهم و حائز اهمیت است. ما روزهای
شنبه تا ساعت ۱۲:۳۰ در کتابخانه کانون گیلان‌شناسی واقع
در دانشکده علوم انسانی منتظر شما و انتقادات و پیشنهادات
شما هستیم و از همکاری‌تان بسیار خوشنود خواهیم شد.



پیش‌شماره «نی‌ناکی» که منتشر شد، خیلی‌ها سوال کردند
که کانون گیلان‌شناسی دیگر چیست؟ اعضای آن چطور
انتخاب شدند و خیلی سوال‌های دیگر. حال قرار شده است

که در این شماره درباره کانون
گیلان‌شناسی بنویسیم.

«کانون گیلان‌شناسی» با سعی
و پشتکار بسیاری از
دانشجویان گیلانی در سال
۱۳۸۳ تأسیس گردید. در ابتدا
قرار بود که این کانون جزو
انجمن‌های دانشگاه باشد و به
همین دلیل اعضای آن با
انتخاباتی که در سطح دانشگاه
گیلان برگزار شد، انتخاب

گردیدند. ولی پس از آن، به دلایلی جزء کانون دانشگاه به
حساب آمد.

کانون گیلان‌شناسی در سال گذشته توانست در برپایی
همایش استاد خمای‌زاده، نکوداشت استاد ابریشم‌چیان و
کنفرانس تمدن تالش حضور فعال داشته باشد و مجری و
اجراکننده همایش نهضت سردار جنگل، جشنواره سه‌روزه
غذا و نمایشگاه کتاب بوده است. کانون گیلان‌شناسی برای

خودمانی گب

تازه دانشجویانه ره

جواد صادقی

- من مازندرونی نیستم
- مو لاهیجونه شم
- من رشته شینم
- مو شهسواری نیستم

شومو کو شهره جه نیسید؟ کو منطقه؟ کو محل؟

به هر حال آمو «نی‌ناکی» نیسیم! خوشبختیم. اول ئیکه وا شمَره تبریک بگیم کی کُنگوره چاله جه در باموید و بگفتید
دانشگاهه چاهه مین! البته ئی شوخی بو! خوش باموید.

آمو نیته نشریه داریم کی گیلان و مازندران فرهنگه واسی نیسه یو چند نفر جمعا ببوییم تا آمی گبان و درده دیلانه
بینویسیم.

نشا نشریه جه گب زن و تازه نفس تازه دانشجویانه لشکره جه گب زنن. به هر حال آمو شیمی خدمت نیسائیم و همه
آمی کشور و آمی استانان و آمی فرهنگ و آمی زبانه خدمت نیسائیم.

اگر شمو ئم نیساید، یا علی!

نی‌ناکی

زیر نظر کانون دانشجویی
گیلان‌شناسی
به زبانهای گیلکی و فارسی
مدیر مسئول: سارا غلامی
سردبیر: امین حسن پور
هیات تحریریه:
بهنام پوررجب‌زاده
جواد صادقی
مهران مستوفی
رحمت وهابی

Ninaki